



دانش نامه حدیثی

«نُصرة النعیم»

عباس پسندیده



درآمد

نُصرة النعیم، یک واژه قرآنی است. در آیات ۲۲ تا ۲۴ سوره مطفین آمده است:

إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ، عَلَى الْأَرَائِكِ يَنْظُرُونَ، تعرف في وجوههم نُصرة النعیم.

مسلمانان نیکان در انواع نعمت اند؛ بر تخت های زیبای بهشتی تکیه کرده، [به

زیبایی های بهشت] می نگرند. در چهره اینان، طراوت و شادابی نعمت را

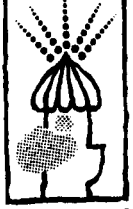
مشاهده می کنی.

این واژه قرآنی، نام اثر تازه ای است که در سال ۱۴۱۸ق، به بازار دین و دانش،

عرضه شده است. این اثر، از جهت سبک تدوین و تنظیم، در طبقه «موسوعه» ها جای

می گیرد. موسوعه نگاری، یکی از شیوه های کارآمد در قلمرو سنت و حدیث است که

سابقه ای تقریباً طولانی دارد و پس از دوره جمع آوری و تدوین حدیث، مطرح شده و



گسترش یافته است و آن چنان قوت گرفته که هر چند با تغییراتی روبه رو بوده؛ اما تا کنون به حیات خود، ادامه داده و از رونق نیفتاده است.

موسوعه نگاری حدیثی، سبکی خاص در «طبقه بندی احادیث» است. این سبک، از یک دیدگاه، دارای دو ویژگی کلی است: یکی کنار هم قرار گرفتن احادیث مربوط به یک موضوع، و دیگری، کنار هم قرار گرفتن موضوعات گوناگون حدیثی البته موسوعه های حدیثی با یکدیگر تفاوت هایی نیز دارند که می تواند مربوط به قلمرو موسوعه یا شیوه تنظیم آن باشد. مثلاً گاهی قلمرو یک موسوعه، محدود به احادیث اهل سنت است. در این موسوعه ها، احادیث رسول اکرم که از طریق اهل سنت نقل شده اند، طبقه بندی می شوند و حتی روایات نبوی شیعه را نیز در بر نمی گیرند؛ هر چند از نظر تنوع موضوعات، یا جامع اند (/هدف این بوده که جامع باشند)، همانند موسوعه «کنز العمال»؛ و یا مخصوص یکی از مذاهب اسلامی به عنوان مثال، گاهی یک موسوعه، محدود به احادیث شیعه است و غالباً رویکردی به احادیث اهل سنت ندارد. چنین موسوعه ای طبعاً محدود به احادیث نبوی نیست و احادیث اهل بیت (ع) را نیز در بر می گیرد. مجموعه «بحار الانوار» را می توان در این گروه طبقه بندی کرد. گاهی نیز موسوعه حدیثی در قلمرو «حدیث اسلامی» ارائه می شود، نه احادیث شیعه یا اهل تسنن، همانند موسوعه در حال تدوین «میزان الحکمة»^۱.

در کنار اینها گاهی یک موسوعه از نظر قلمرو، محدود است و فقط به یکی از حوزه های اخلاق یا اقتصاد یا ... در احادیث می پردازد. موسوعه «نصرة النعميم» را باید در این گروه طبقه بندی نمود. نصرة النعميم، در حوزه حدیث اهل سنت و محدود به بیان صفات اخلاقی است. لذا نه شامل دیگر موضوعات می شود و نه شامل احادیث اخلاقی منابع شیعه.

عنوان روی جلد موسوعه، چنین است: «موسوعة نصرة النعميم في مكارم اخلاق

۱. البته موسوعه میزان الحکمة از نظر کلامی بر مبنای شیعه تدوین شده است؛ ولی در همین راستا از روایات اهل سنت نیز در آن استفاده می شود.



الرسول الکریم (ص).

البته این موسوعه، در حوزه صفات، محدود به بیان فضائل نیست و به بیان ردائیل نیز می پردازد. لذا ذیل عنوان نام کتاب اضافه شده است: «موسوعة قِيم اخلاق التریبة الإسلامية، لما أمر به أو نهى عنه في الكتاب والسنة». بدین ترتیب، نضرة النعیم، یک موسوعه حدیثی اخلاقی- تربیتی با گرایش حدیث اهل سنت است. برای آگاهی بیشتر دانش پژوهان و دستداران حدیث، معرفی این کتاب را در چند حوزه پی می گیریم:

گروه پژوهشی

این اثر، کار مشترک یک گروه پژوهشی ۳۱ نفره، مرکب از حدیث شناسان، لغت شناسان و تاریخ شناسان است که زیر نظر دکتر صالح بن عبدالله بن حمید (امام جماعت و خطیب مسجد الحرام) و عبدالرحمان بن محمد بن عبدالرحمان بن ملوح (مؤسس و مدیر دارالوسیلة للنشر والتوزیع)، فعالیت می کرده است.^۲ این مجموعه، متشکل از دو دسته محقق بوده است: دسته اول، متشکل از لغت شناسان که مسئولیت تهیه و تدوین مدخل های موسوعه را بر عهده داشته اند و دسته دوم، متشکل از حدیث شناسان و سیره شناسان که مسئولیت تهیه و تنظیم مطالب ذیل هر موضوع را بر عهده داشته اند.

انگیزه تهیه این اثر

مدیر دارالوسیله در بیان انگیزه اقدام به تهیه این اثر، به شدت نیاز به شناخت مکارم اخلاق از یک سو، و پراکندگی این مطالب در قرآن کریم، کتب حدیث و سیره و لغت و ... از سوی دیگر، اشاره کرده و در مقدمه آن، آورده است:

إن محاسن الاخلاق و معارفها ینبغی أن تكون من الوضوح بمكان ولكن این نجد ذلك من بین ما لایحصى من صفحات أمهات کتب الفضائل والآداب

۲. به نظر می رسد که این اثر، محصول پیوند «دانش» و «سرمايه» است.



والاحكام ونحوها؟!۱

این نقف علی التحدید الدقیق لمعنی هذه الصفة أو تلك الصفة ... أتى للمسلم

ان یقف علی ذلك كله فی وقت معقول و بوسیلة مناسبة؟!۲

شایسته است که محاسن و مکارم اخلاق، کاملاً واضح و آشکار باشند؛

ولی چگونه می توانیم این مطالب را از لایه لایه صفحات کتاب های اخلاق

و آداب و احکام و مانند آن بیابیم؟ و چگونه می توانیم بر معنای دقیق این

صفت یا آن صفت، دست یابیم؟ ... یک مسلمان، چگونه می تواند این همه

را در یک زمان معقول و به شیوه ای مناسب به چنگ آورد؟

وی در ادامه به نقد کتاب های اخلاقی و حدیثی موجود، پرداخته و می نویسد:

إن كتب السلف الصالح - رحمهم الله - علی کثرتها و تنوعها، لا تفي وحدها

بالغرض المطلوب لتناثر الصفات بها من ناحية و اختلاف أسلوبها من ناحية

ثانية.

کتاب های علمای صالح گذشته، هر چند از تعدد و تنوع برخوردارند، اما از

یک سو به دلیل پراکندگی صفات در آنها و از سوی دیگر، به دلیل اختلاف

در شیوه تدوین، نمی توانند غرض مطلوب را برآورده سازند.۳

وی در ادامه نتیجه می گیرد که:

وهنا كان التفكير في أن نوجد في المكتبة الإسلامية ما تفتقر إليه من وجود

مرجع موحد شامل لما هو مشتت في مئات الكتب، أي إيجاد عمل موسوعي

یضمّ شتات الصفات التربوية الإسلامية وقيمتها.

و از این جا این اندیشه به وجود آمد که در مکتب اسلام، اثری را پدید

بیاوریم که پاسخگوی نیاز به یک «مرجع واحد و فراگیر» باشد و مطالب

متفرّق و گوناگون کتاب های دیگر را یکجا گردآورد؛ یعنی تهیه

۳. نضرة النمیم، ج ۱، ص «ک ب».

۴. همان جا.



موسوعه‌ای که صفات پراکنده و البته ارزشمند تربیتی اسلام را کنار یکدیگر

قرار دهد. ۵

دکتر صالح بن عبدالله، هدف از تدوین این اثر را در پنج مورد برمی‌شمرد:

۱. آشناسازی جامعه با مفاهیم والای اخلاقی و کرامت‌های انسانی، و متوجه ساختن بشر به بهترین شیوه انسان‌سازی و آبادانی زمین و تحقق جانشینی خداوند در زمین؛
۲. تحقیق در اصول تربیتی و مبادی مکارم اخلاق در حد امکان و توان؛
۳. ذکر نمونه‌هایی از سیره نبوی و تطبیق آن با صفات مطرح شده؛
۴. نزدیک‌سازی نصوص و مصادر قدیم به شیوه و سبک امروزی؛
۵. فراخوانی خرد انسانی به تفکر در میدان گسترده حقایق مکتب اسلام.^۶

اطلاعات آماری

۱. این اثر، در دوازده جلد و هفت هزار صفحه به قطع رحلی عرضه شده است.
۲. در این کتاب، ۳۶۵۱ آیه آمده است و هر آیه به طور متوسط، سه بار تکرار شده است.
۳. تعداد احادیث غیر تکراری این اثر، ۵۰۶۱ حدیث است و هر حدیث، به طور متوسط، دو بار تکرار شده است.
۴. در این موسوعه، ۴۱۶۹ عبارت از دانشمندان اهل سنت به چشم می‌خورد.
۵. در این اثر، ۱۱۶ ضرب‌المثل و حکمت، آورده شده است.
۶. تعداد شعرها و رجزهای این اثر، به ۸۳۱ مورد می‌رسد.
۷. در تهیه این اثر، ۱۱۱۸ مصدر و مرجع، مورد مطالعه و پژوهش قرار گرفته است.
۸. این اثر، دارای ۳۶۱ موضوع اخلاقی-تربیتی است که به شیوه خاصی طبقه‌بندی شده‌اند.

۵. همان، ص «ك ب».

۶. همان، ص «ن و».



۹. این اثر، ثمره تلاش نه ساله گروه‌های پژوهشی است.

۱۰. این اثر، در مجموع، حدوداً دارای ۱۳۸۲۸ برگه (فیش) است. این رقم، بدون

محاسبه اطلاعات مدخل‌ها و بدون محاسبه برگه‌های تکراری است.

محتویات موسوعه

موسوعه «نصرة النعیم»، در دوازده جلد عرضه شده است. جلد اول را مقدمه و جلد پایانی را فهرست‌ها و ده جلد میانی را محتویات اصلی کتاب تشکیل می‌دهد. به همین جهت، بررسی کتاب را در سه بخش یاد شده، پی می‌گیریم:

الف) مقدمه

در مقدمه این کتاب، چندین مطلب وجود دارد:

۱. مقدمه‌های ناشر و دکتر شیخ صالح بن عبداللّه بن حمید و گروه لغت موسوعه؛

۲. چند تقریظ؛

۳. مقاله‌ای با عنوان: «الحیة والنفس الانسانیة»؛ در این مقاله دو نمودار، عرضه

شده است: نمودار اول، مربوط به صفات مطرح شده در کتاب و رابطه میان آنها و جایگاه هر یک است، و نمودار دوم، درباره جایگاه و موقعیت انسان نسبت به ابتلائات و تکلیف او نسبت به آنها و بیان رابطه میان آنهاست.

۴. مقاله‌ای با عنوان «الحیة الایمانیة فی ضوء علاقة الابتلاء والنفس الانسانیة»؛ در

این مقاله، از دیدگاه امتحانات و ابتلائات، به زندگی بشر نگاه شده و مطالب علمی مفیدی عرضه شده است.

۵. مقاله‌ای با عنوان: «الأخلاق والقیمة التربویة فی الاسلام»؛ در این مقاله، به ارزش

اخلاق و مکتب تربیتی اسلام، پرداخته شده است.

۶. در بخش مفصل دیگری از این مقدمه، به زندگی و صفات رسول خدا پرداخته

شده که خود، کتاب مستقلی است. موضوعات این قسمت عبارت‌اند از: السیرة النبویة



العطرة، شمائل الرسول(ص)، معجزات و دلائل نبوة خاتم الانبياء والمرسلين، الصلاة على رسول الله(ص).

ب) متن کتاب

ده جلد میانی، حاوی متن کتاب است و مهم ترین بخش کتاب به شمار می آید. در این قسمت، کلیه اطلاعات جمع آوری شده، با شیوه ای خاص، تنظیم و طبقه بندی شده اند.

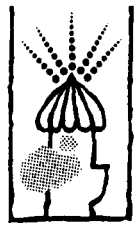
شیوه طبقه بندی اطلاعات

شیوه طبقه بندی این مجموعه، به شکل زیر است:

۱. ابتدا کلیه صفات، در دو گروه «صفات مستحب» و «صفات مذموم»، طبقه بندی شده اند که در گروه اول، دویست صفت و در گروه دوم، ۱۶۱ صفت آمده است. مجموعه صفات مستحب در هفت جلد (ج ۲ تا ۸) و مجموعه صفات مذموم در سه جلد (ج ۹ تا ۱۱)، تنظیم شده است. اساس این تقسیم، همان طور که از عنوان آن نیز بر می آید، بر اوامر و نواهی رسول خدا بوده است.

۲. برای تنظیم صفات در درون هر یک از دو گروه مستحب یا مذموم، از شیوه الفبایی-شکلی استفاده شده است، نه الفبایی-ریشه ای. این شیوه می تواند در دستیابی پژوهشگر به مطلب مورد نظر، اختلال ایجاد کند؛ زیرا چه بسا بتوان برای یک صفت از یک ریشه دو یا چند هیئت آورد که براساس شیوه کتاب، هر کدام در یک حرف جای می گیرند. لذا پژوهشگر را با سردرگمی مواجه می سازد؛ اما اگر براساس ریشه تنظیم می شد، امکان سردرگمی به حداقل می رسید.

۳. این اثر در تعیین موضوعات، به شدت اصطلاحگراست و لذا هر واژه و اصطلاح اخلاقی را به یک موضوع تبدیل کرده است. این امر، باعث شده است تا چند موضوع که اشتراك مفهومی نزدیکی دارند، صرفاً به دلیل اختلاف در لفظ، در چند عنوان طبقه بندی



شوند؛ مثل موضوعات: غَضّ البصر، اطلاق البصر، و حفظ الفرج که همگی مربوط به موضوع «العفة» هستند و یا موضوعات: البرّ، برّ الوالدین، و التعاون علی البرّ والتقوی، که به هم نزدیک اند، و یا مانند: التعاون علی الاثم والعدوان، و التعاون علی البرّ والتقوی.

۴. شیوه طبقه بندی اطلاعات درونی هر صفت نیز بدین گونه است:

الف) مدخل: در مدخل به تحلیل مفهومی صفت مورد نظر، پرداخته می شود. مفهوم شناسی صفات اخلاقی، یکی از ارکان مهم شناخت صفات اخلاقی است که بدون آن، تصوّر دقیق و درستی از موضوع به دست نمی آید. در مدخل، ابتدا به تعریف لغوی و سپس به تعریف اصطلاحی پرداخته شده است. همچنین به حسب نیاز به بررسی فرق میان دو یا چند صفت متقارب، پرداخته شده است و در پایان مدخل، در دو قسمت مجزاً، خواننده با صفات متناسب و صفات متضاد با صفت مورد بحث، آشنا شده است.

مثلاً در پایان مدخل «الحیاء» آمده است:

الاستزادة: أنظر صفات: الاستقامة، الايمان، العفة، غض البصر، المراقبة، حفظ الفرج، حسن الخلق.

وفي ضد ذلك: أنظر صفات: الاعراض، الكبر والعجب، الغرور، اتباع

الهوى، المجاهرة بالمعصية، اطلاق البصر، سوء الخلق، التفریط والافراط.

این ارجاعات، حاصل یافته های محققان این موسوعه درباره رابطه هر صفت با صفات دیگر است و از این جهت، مهم است و افق های جدیدی را برای خواننده می گشاید.

مدخل یابی این کتاب، قوی است و در تهیه مدخل ها، هم مصادر گوناگونی مورد بررسی قرار گرفته، و هم کار کارشناسی دقیق انجام شده است. البته نقطه ضعفی که در همه کتب اخلاقی در باب مفهوم شناسی صفات اخلاقی به چشم می خورد، در این جانیز وجود دارد و آن، این که معمولاً در تعریف صفات اخلاقی، به حوزه های مرکزی صفات، اشاره شده و کمتر به مرزهای یک صفت با صفت دیگر توجه شده و یا اصلاً توجهی نشده است. البته هم در این کتاب و هم در کتاب های مستقل دیگر، به موضوع تفاوت میان معانی واژه ها پرداخته شده؛ اما این امر، روشن کننده مرز میان یک صفت و صفات دیگر



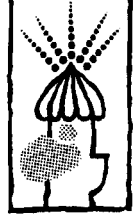
نیست. مثلاً در تعریف صفاتی چون عفت، صبر، حُب، تقوا و ...، با اصطلاحاتی چون: کف النفس، ضبط النفس، حبس النفس و ... مواجه می شویم که درست هم هست؛ ولی هیچ گاه روشن نشده است که تفاوت میان این باز دارنده ها چیست؟ این مهم، نیازمند یک پژوهش گروهی است تا در سایه بازشناسی مفاهیم اخلاقی و شناخت رابطه ها و مرزها، به یک نظام منسجم اخلاقی نیز دست یابیم. آنچه تا کنون مطرح شده، صفات اخلاقی مستقل و منفک از یکدیگر است و هرگز در قالب یک نظام منسجم و فراگیر، ارائه نشده است.

ب) آیات: پس از مدخل، آیات مربوط به موضوع آمده است. از نقاط قوت این بخش، این است که در کنار آیاتی که حاوی لفظ موضوع است، آیاتی که معنای صفت را نیز (بدون لفظ) دربردارد، آورده شده و از یکدیگر تفکیک شده اند. نقطه قوت دیگر این قسمت، این است که در صورت نیاز، آیات قبل و بعد نیز آورده شده تا منطبق قرآن و جریان یا حکم مربوط، به خوبی روشن شود.

البته آیات ذکر شده، در میان خود، طبقه بندی ندارند و بدون اعلام نظر درباره موضوع فرعی، کنار یکدیگر قرار گرفته اند. این روش، می تواند به معنای آزاد گذاشتن خواننده در برداشت از آیه باشد؛ اما نقطه ضعفی که دارد، این است که آیات مربوط به یک موضوع فرعی، در کنار هم قرار نمی گیرند.

ج) احادیث: در بخش روایات نیز، همانند بخش آیات عمل شده است. اولاً در صورت نیاز، به دو قسم لفظی و معنوی تقسیم شده اند. ثانیاً از طبقه بندی درونی و داشتن موضوعات فرعی، محروم هستند. نکته قابل ذکر این که روایات طولانی، در اولین نقل، به طور کامل ذکر می شوند و در صورت تکرار، فقط به آوردن محل شاهد، بسنده می شود. لذا بعضاً فصل های اولیه کتاب، مفصل تر هستند.

د) ارائه نمونه از سیره پیامبر(ص): در این قسمت، نمونه هایی از سیره عملی رسول خدا یاد شده است. ذکر تاریخ در کنار حدیث، خود درخور توجه و تقدیر است. در این جا نیز بدون اشاره به موضوع یا موضوعات فرعی، فقط به ذکر نمونه های



تاریخی اکتفا شده است.

ه) گفته‌ها و نوشته‌های علما: پس از ذکر سیره، به ذکر اقوال و آرای علمای اهل سنت، پرداخته شده است. این نکته می‌تواند یکی از نقاط قوت کتاب و موجب بی‌نیازی خواننده از کتب دیگر باشد که در موسوعه‌های دیگر یا وجود ندارد و یا بدین صورت، مورد توجه قرار نگرفته است. مطالب مربوط به این قسمت، بر اساس سال فوت صاحب اثر، تنظیم و طبقه‌بندی شده است.

و) بهره‌ها و زیان‌ها: در این قسمت که بخش پایانی درباره‌ی هر صفت است، به تناسب مستحب یا مذموم بودن صفت، به ذکر فواید یا ضررهای آن پرداخته شده است. در این قسم، از آیه یا روایت و یا سیره و یا قول علما استفاده نشده و فقط به فهرست کردن فواید یا مضار، بسنده شده است.

نقد سبک تنظیم درونی هر صفت

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، گذشته از مدخل، مطالب هر صفت در پنج بخش: آیه، روایت، سیره، قول علما، و فواید یا مضار، تنظیم شده است. منطق این تقسیم را باید در تنوع اطلاعات موجود و پابندی به خلط نشدن آنها با یکدیگر جستجو کرد. این منطق، شاید از جهتی صحیح باشد (مثل آزاد گذاشتن فکر خواننده و باقی گذاشتن حق برداشت برای او)؛ ولی در مجموع، با غرض گردآوردگان همخوانی ندارد. تسهیل دستیابی و روان‌سازی، یکی از اصول موسوعه‌نگاری، بخصوص در مجموعه‌هایی از این قبیل است (که در اهداف تهیه‌کنندگان نیز به آن اشاره شده است).

در این موسوعه، هر چند بسیاری از راه‌ها طی شده و مسیرها کوتاه شده است؛ اما به دروازه‌ی صفت که می‌رسیم، باز با یک به هم ریختگی و ناهماهنگی در موضوع روبه‌رو می‌شویم و خواننده باید خود بنشیند و میان این مجموعه به کاوش پردازد تا رابطه‌ها را کشف کند و در ذهن و یا نوشته‌ی خود، آنها را کنار هم قرار دهد و نتیجه بگیرد. هر تقسیم و طبقه‌بندی، باید با هدف آن کار، هماهنگی و همخوانی داشته باشد.



هدف ما در این نوع کارها، شناساندن، تفکیک آیه از روایت و ... نیست؛ بلکه هدف، دستیابی به معنا و مفهوم است و به همین جهت در مدخل، همه چیز در کنار هم آمده است تا مفهوم را بشناساند. در مرحله بعد نیز می‌باید آثار، عوامل و ... را در کنار هم آورد، تا یک مفهوم (علت یا پیامد)، کامل گردد. اگر غیر از این است، باید در مدخل هم هر کدام را از دیگری تفکیک کنیم و قضاوت در مورد آن و یافتن ارتباطها را به خواننده واگذاریم.

طبقه‌بندی بر اساس نوع و جنس اطلاعات، منطق دیگر و جای دیگری دارد. اگر این موسوعه بدان شکل تقسیم شده بود، در بخش پنجم بررسی هر صفت (فواید یا مضار)، فقط به فهرست کردن اکتفا نمی‌شد؛ بلکه همه ادعاهای آیه یا روایت یا ...، مستند می‌شد.

نضرة النعیم و اهل بیت (ع)

در این کتاب به اقوال و آثار علمای اهل سنت، اشاره شده است؛ اما به اهل بیت (ع)، حتی در حد علمای اهل سنت هم اهمیت داده نشده است و فراتر این که حتی گاهی در مدخلها چیزهایی نقل می‌شود که عین کلام معصوم (ع) است؛ ولی هرگز به آن اشاره نمی‌شود. مثلاً در جلد پنجم (ص ۱۸۰۲)، در بحث مدخل، ذیل عنوان: «الحياء أصل لكل خير»، در عبارتی از ابن قیم، آمده است:

... و كثير من الناس لولا الحياء الذي فيه لم يؤد شيئاً من الامور المفترضة عليه
ولم يرع لمخلوق حقاً ولم يصل له رحماً ولا برّاً له والداً.

این جملات از فرموده‌های امام صادق (ع) در توحید مفضل است که آن حضرت در بیان اهمیت حیا می‌فرماید:

حتى أن كثيراً من الامور المفترضة ايضاً انما يفعل للحياء، فان من الناس من
لولا الحياء لم يرع حق والديه ولم يصل ذا رحم ...^۷



ج) فهرست‌ها

در جلد پایانی کتاب، فهرست‌های متنوع و متعدد این کتاب در ۵۵۷ صفحه آمده است. غیر از فهرست‌های مرسوم، برخی دیگر از فهرست‌های این کتاب، عبارت‌اند از:

۱. فهرس المصطلحات: الفاضلی که از معنای لغوی خود، خارج و در یک علم، به اصطلاح خاصی تبدیل شده‌اند، در این فهرست آمده‌اند و نشانی آنها در متن کتاب، ذکر شده است، مثل: آل محمد، الأخلاق السلیبة، الأخلاق النوعية، التقوی، التربية العملية و....

۲. فهرس الفروق اللغوية: در هر مدخل، گاهی به فرق میان صفات اشاره شده که در این فهرست، نشانی آنها ذکر شده است.

۳. فهرس الاحکام الشرعية و آداب السلوك: ضمن مطالب کتاب، بعضاً احکام و آداب شرعی بیان شده که این فهرست، متکفل ذکر آنهاست.

۴. فهرس الإحالات: در قسمت پایانی هر مدخل، یک سری ارجاعات به موضوعات متناسب و متضاد آمده است که از این فهرست، می‌توان به نشانی‌ها و ارجاعات هر موضوع، پی برد.

در مجموع، این موسوعه دارای پانزده فهرست است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

